

سبک‌شناسی لایه ای سوره مبارکه بروج

امیررضا فاکهی^۱ منیره زیبائی^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

(monirehzibayi@ferdowsi.um.ac.ir)

چکیده

سوره مبارکه بروج، از سوره‌های مکی با ساختاری منسجم و بیانی قاطع و شیوا، نمونه برجسته‌ای از شاهکارهای ادبی الهی است. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر مبانی نظری سبک‌شناسی، به واکاوی دقیق ویژگی‌های سبکی این سوره مبارکه می‌پردازد. هدف اصلی تحقیق، شناسایی عناصر برجسته سبکی در سطوح مختلف زبانی و تبیین نقش آن‌ها در ایجاد انسجام متنی و انتقال مؤثر پیام‌های کلیدی این سوره نظیر سرنوشت مؤمنان و کافران، قدرت مطلق خداوند متعال و تأثیرگذاری عمیق بر مخاطب است. این مقاله با تحلیل لایه‌های مختلف زبانی، ادبی و فکری در سطح آوایی، نقش محوری سجع را در ایجاد آهنگ و ریتم قوی آیات آشکار می‌سازد و در سطح لغوی، به بررسی گزینش دقیق واژگان و بار عاطفی و تصویری واژگان کلیدی می‌پردازد. سپس با تحلیل سطح نحوی، کارکرد ساختارهایی مانند جملات کوتاه و کوبنده و ادات تأکید را در القای قاطعیت پیام نشان می‌دهد. در لایه ادبی، نقش مؤثر آرایه‌هایی نظیر کنایه، مجاز، ایغال و مراعات النظیر در عمق بخشیدن به معنا تحلیل می‌گردد. یافته‌ها حاکی از آن است که سبک سوره بروج، سبکی کاملاً منسجم است که در آن تمامی عناصر زبانی و ادبی به ایجاد سبکی متوازن، قاطع و تأثیرگذار منجر شده‌اند. این سبک، نه تنها پیام‌های سوره را به وضوح بیان می‌کند، بلکه با برانگیختن احساس ترس و امید، مخاطب را به تأمل و پذیرش حقیقت فرامی‌خواند. نتایج این پژوهش، ضمن یاری رساندن به درک عمیق‌تر جنبه‌های اعجاز بیانی قرآن کریم در این سوره، افق‌های جدیدی را برای پژوهش‌های سبک‌شناختی در سایر متون ادبی می‌گشاید.

کلیدواژگان: قرآن کریم، سوره بروج، سبک‌شناسی زبانی، سبک‌شناسی واژگانی، سبک‌شناسی بلاغی.

۱-۱. بیان مسئله

قرآن کریم، کلام بی بدیل الهی و سرچشمه هدایت بشر، کتابی است که اعجاز آن تنها در عمق معانی و حقایق الهی آن خلاصه نمی شود، بلکه در ساختار زبانی و بیانی بی نظیر، نظم کلامی اعجازآمیز و تأثیرگذاری منحصر به فرد آن بر قلب ها و عقل ها نیز متجلی است. فصاحت و بلاغت خیره کننده قرآن که از دیرباز به عنوان بارزترین وجه اعجاز بیانی آن شناخته شده است، پژوهش های گسترده ای را در حوزه علوم مختلفی نظیر تفسیر، علوم قرآنی و به ویژه علوم ادبی برانگیخته است. درک تمام عیار پیام الهی، نیازمند واکاوی دقیق همین ابعاد هنری و ادبی است، چرا که هر انتخاب زبانی، هر ساختار نحوی و هر آرایه بلاغی در قرآن کریم، با حکمتی ژرف و در راستای تحقق مقاصد دقیق صورت پذیرفته است.

در سالیان اخیر، دانش سبک شناسی به عنوان رویکردی تحلیلی و نظام مند در مطالعات متنی، ابزارهای نوینی را برای بررسی علمی ویژگی های زبانی و ادبی متون و کشف سازوکارهای اثرگذاری معنا فراهم آورده است. سبک شناسی با رویکردی چندلایه، به بررسی تعامل پیچیده میان کاربرد عناصر زبانی، نحوه بهره گیری از شگردهای ادبی و محتوای فکری متن می پردازد. این دانش با کندوکاو دقیق در سطوح گوناگون، به درک چگونگی شکل گیری سبک منحصر به فرد یک متن و کشف لایه های پنهان معنایی و تأثیرگذاری آن کمک می کند.

سوره مبارکه بروج، هشتاد و پنجمین سوره و یکی از سوره های پر صلابت مکی قرآن، با آیات کوتاه و کوبنده و ساختاری متراکم، نمونه ای برجسته و گویا از غنای سبکی قرآن است. این سوره که در دوران آزار و شکنجه مؤمنان نازل شده، مضامین بنیادینی چون سوگندهای پر عظمت الهی، داستان عبرت آموز اصحاب اخدود به عنوان نماد پایداری ایمان و قساوت کفر، قدرت مطلق خداوند متعال در آفرینش و مجازات، و جایگاه رفیع قرآن را با بیانی قاطع و تأثیرگذار مطرح می سازد. صلابت لحن، ضرب آهنگ قوی و مضامین برجسته از ویژگی های نمایان سبک این سوره به شمار می روند. همین فشردگی معنایی و غنای سبکی، سوره بروج را به بستری مناسب برای پژوهش های دقیق سبک شناسی، به ویژه در لایه های زبانی، ادبی و فکری آن تبدیل کرده است.

۱-۲. اهمیت و ضرورت پژوهش

انجام یک تحلیل سبک شناسی جامع و سه لایه از سوره مبارکه بروج، از چندین جهت دارای اهمیت است: اولاً، چنین تحلیلی به کشف دقیق تر ظرافت ها و ریزه کاری های بیانی این سوره در تمام ابعاد آن کمک می کند و در نتیجه، به فهم ما از پیام الهی عمق می بخشد. ثانیاً، این رویکرد می تواند سازوکارهای دقیق ایجاد تأثیر در این سوره را آشکار سازد و

نشان دهد که چگونه انتخاب‌های زبانی و آرایه‌های ادبی، با محتوای فکری و پیام سوره پیوند خورده و تأثیر زیادی بر مخاطب می‌گذارند. ثالثاً، این پژوهش با تمرکز بر هم‌گرایی لایه‌های سه‌گانه زبانی، ادبی و فکری، به تبیین جنبه‌هایی از اعجاز بیانی قرآن کریم در این سوره کمک می‌کند. با وجود تحقیقات متعدد، تحلیل‌های سبک‌شناختی چندلایه که تمام ابعاد زبانی، ادبی و فکری یک سوره خاص را به صورت نظام‌مند و یکپارچه بررسی کند، همچنان جای کار دارد.

۱-۳. سؤالات پژوهش

این پژوهش در پی پاسخگویی به سؤالات اساسی و تخصصی زیر است:

۱. ویژگیهای سبکی سوره بروج در لایه زبانی چگونه ساختار زبانی منحصر به فرد سوره را شکل می‌دهند؟
۲. مهمترین ویژگیهای سبکی سوره بروج در لایه ادبی چیست و چه تأثیری بر مخاطب دارند؟
۳. تعامل و هم‌گرایی میان ویژگی‌های سبکی در لایه زبانی، لایه ادبی و لایه فکری در سوره بروج چگونه به ایجاد سبک کلی این سوره و بیان اعجاز آن کمک می‌کند؟

۱-۴. فرضیه های پژوهش

۱. ویژگی‌های سبکی سوره بروج در لایه زبانی توانسته است به ساختار زبانی سوره استحکام بخشیده و حس مجد و عظمت را بر مخاطب القا کند.
۲. در سطح ادبی، کاربست آرایه‌های بیان و بدیع مانند مجاز، کنایه و مراعات النظیر، تأثیر شگرفی در تصویرسازی و انتقال معنی ایفا می‌کند.
۳. تعامل میان ساختار در لایه زبانی، آرایه‌ها و صنایع در لایه ادبی و محوریت فکری، به شکلی قدرتمند، پیام اصلی سوره را به ذهن مخاطب منتقل می‌کند.

۱-۵. روش پژوهش

روش تحقیق در این مقاله، توصیفی-تحلیلی است. بدین منظور، پس از مطالعه دقیق آیات سوره مبارکه بروج، با تکیه بر مبانی نظری سبک‌شناسی و علوم بلاغی و با بهره‌گیری از کتب مرجع در حوزه تفسیر، علوم قرآنی، لغت‌شناسی و بلاغت، به شناسایی، توصیف و تحلیل تخصصی ویژگی‌های سبکی سوره در هر یک از لایه‌های سه‌گانه زبانی، ادبی و

فکری پرداخته خواهد شد. تحلیل‌ها با تمرکز بر کارکرد بلاغی و تأثیر عناصر سبکی بر مخاطب و بر مبنای غنای معنایی صورت می‌گیرد و تمامی یافته‌ها مستند به شواهد متنی از آیات سوره و با ارجاع به منابع معتبر علمی خواهد بود.

۱-۶. پیشینه تحقیق

به طور کلی در زمینه سبک شناسی، پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته و در این رابطه کتب و مقالات زیادی به چاپ رسیده است. اما سبک شناسی در قرآن تاریخچه کهنی ندارد و بیشتر در سطح مطالعات بلاغی نظیر کندوکاوهای بیانی و بدیعی و پژوهش‌هایی در سطح آوایی و معناشناسی صورت می‌گرفته است، با این وجود سور قرآن کریم مورد بررسی سبک شناسانه قرار گرفته اند. در ادامه برخی از آنها ذکر می‌شود:

سبک شناسی سوره حجرات اثر عباس یوسفی تازه‌کندی و همکاران، که نگارندگان این پژوهش، سوره مبارکه حجرات را در سطوح مختلف سبک شناسی مورد بررسی قرار داده اند. سبک شناسی سوره نازعات از ابوالحسن مؤمن نژاد و دیگر نگارندگان، سبک شناسی سوره تکویر از علی نظری و نویسندگان دیگر، سبک شناسی سوره مریم (ع) از محمد خاقانی اصفهانی و محمد جعفر اصغری، سبک شناسی سوره واقعه بر اساس تحلیل زبانی از پرویز آزادی و سهیلا نیکخواه و بررسی سبک شناسی بلاغی و نحوی سوره نوح از علی احمدی و پریسا سادات، نمونه‌های دیگری می‌باشند که هر کدام، لایه‌های سبک شناسی متنوعی را در سور شریفه قرآنی تحلیل و توصیف کرده اند. مقاله‌ای تحت عنوان کاربرد فنون بدیعی در سوره «بروج» بر اساس دو اثر خطیب قزوینی از محمد انور اصغری و محمد قربانزاده به چاپ رسیده است که نویسندگان اثر، محسنات بدیعی موجود در سوره را نظیر جناس و موازنه و طباق بیان و بررسی می‌کنند. اما با این حال، سوره مبارکه بروج تاکنون مورد بررسی سبک شناختی قرار نگرفته است و پژوهش حاضر، این محسنات بدیعی را به عنوان بخشی از لایه آوایی و ادبی در قالب سطوح سبک شناسی مورد تحلیل قرار می‌دهد. کندوکاو در این سطوح مختلف می‌تواند لایه‌های پنهان اعجاز بیانی این سوره مبارکه را آشکار سازد و موجب درک بهتر معنای منحصر به فرد آن شود.

۲. سیمای کلی سوره مبارکه بروج

«این سوره از حیث ترتیب نزول بیست و هفتمین سوره است که بعد از سوره «الشمس» در مکه نازل گردید. احتمال قوی آنست که در اوائل سال چهارم بعثت بعد از اظهار دعوت آن حضرت نازل شده باشد. از آیات آن معلوم می‌شود که مسلمانان در آن زمان شکنجه می‌شده‌اند. در ترتیب فعلی قرآن مجید سوره هشتاد و پنجم است. عدد آیات آن به اتفاق همه بیست و دو آیه است، طبری رحمه الله فرمود: «مکیه اثنتان و عشرون آیه بالاجماع» و دارای یکصد و نه کلمه و چهار صد و شصت و پنج حرف است. تسمیه آن به سوره بروج ظاهراً به علت وقوع لفظ بروج در اول آنست. سوره مبارکه بشهادت آیات آن مکی است و ظاهراً کسی خلاف آن را نگفته است» (قرشی، ۱۳۹۱: ج ۱۲/ ۱۵۸).

«دراین سوره به آسمان و روز قیامت و شاهد و مشهود قسم یاد شده است، آن وقت واقعه‌ای بیان گردیده که عده‌ای را در کانالی به علت مقاومت در دین توحید سوزانده‌اند. این نشان می‌دهد که به وقت نزول سوره، مؤمنان در مکه به دست مشرکان شکنجه می‌شدند و این سوره می‌گوید: تنها شما نیستید که در راه خدا شکنجه می‌شوید، بلکه دیگران نیز چنین بوده‌اند؛ خویشتن دار باشید که پیروزی از آن شماست، علی‌هذا غرض سوره تسلیت بر مؤمنان است. از اینجا معلوم می‌شود که این سوره پس از نزول آیه «اصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَاعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» از سوره حجر نازل شده، آن‌گاه که آن حضرت در سال چهارم بعثت رسالت خویش را آشکار کرد و کفار شروع به شکنجه مؤمنان کردند» (همان: ج ۱۲/ ۱۵۸-۱۵۹). «قتل اصحاب الاخدود * النار ذات الوقود * اذهب علیها قعود * و هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود * و ما نقموا منهم الا ان یؤمنوا بالله العزیز الحمید. در این تصویر گودال‌های پر از آتش ترسیم شده که گروهی در حال سوخته شدن هستند و گروهی دیگر بر لب گودال‌ها در حال تماشا می‌آیند از گروه اول به عنوان مؤمنان یاد شده است اما لقبی برای گروه دوم نیامده است. در منابع تاریخی داستان ذونواس پادشاه یهودی یمنی در سده چهارم میلادی ذکر شده که چگونه به انتقام‌گیری از مسیحیان پرداخت و مؤمنان مسیحی را دسته‌دسته در گودال‌های پر از آتش افکند و ایشان را زنده زنده سوزاند. لحن تأسف بار آیات الهی از حق حیات و زندگی گروهی از انسان‌های مؤمن یاد می‌کند که تنها به جرم ابراز عقیده خویش به خداوند، در آتش سوزانده شدند. نکته جالب آن که این واقعه در یمن رخ داده که منطقه‌ای بیرون از حجاز و نزدیک‌ترین جایی است که هم ارتباط اعراب با آن‌جا زیاد بوده و هم این داستان برای آن‌ها مشهور بوده است. و قرآن در سده هفتم میلادی از ماجرای تاریخی در سیصد سال قبل از خود راجع به حق حیات گروهی از مردم یاد کرده است» (باغستانی، ۱۳۸۵: ۱۳۲).

مضامین محوری سوره بروج عبارتند از:

عظمت قدرت خداوند (آیات ۱-۳): سوگند به آسمان دارای برج‌ها، روز موعود و شاهد و مشهود که همگی توجه انسان را به نظم شگفت‌انگیز جهان و قطعیت رستاخیز جلب می‌کنند.

داستان اصحاب اخدود (آیات ۴-۸): به عنوان نمونه‌ای تاریخی و نمادین از ایمان راسخ، فداکاری در راه عقیده، و قساوت و بی‌رحمی دشمنان دین خدا. این داستان، هم هشدار است به ستمگران و هم الگویی برای مؤمنان در تحمل سختی‌ها می‌باشد.

قدرت و عدالت مطلق خداوند (آیات ۱۲-۱۶): تأکید بر «بطش» پروردگار متعال نسبت به ظالمان، و در عین حال، رحمت و محبت او (الغفور الودود) نسبت به مؤمنان توبه‌کار، و توانایی مطلق او بر آغاز و بازگرداندن آفرینش (بیدیء و یعید) و انجام هر آنچه اراده کند (فعال لما یرید).

سرنوشت ستمگران پیشین (آیات ۱۷-۱۸): یادآوری داستان فرعون و ثمود به عنوان نمونه‌هایی از عاقبت انکار و طغیان در برابر پیام الهی.

حفظ قرآن کریم (آیات ۲۱-۲۲): تأکید بر مجید بودن و جایگاه رفیع قرآن و محفوظ بودن آن در لوح محفوظ، که هرگونه شک و تردید را در اصالت و جاودانگی آن می‌زداید.

۳. سبک‌شناسی سوره بروج

«سبک در لغت به معنای ذوب کردن و ریختن طلا و نقره است و سبکیه، قطعه ذوب شده از آن است» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۱۰/ ۴۳۸). «مفهوم سبک مثل بسیاری از مفاهیم دیگر مثلاً وجود بدیهی است، اما تعریف جامع و مانع آن دشوار است. بدین ترتیب کمتر کسی است که فرضاً صدای حافظ را از صدای فردوسی بازشناسد و یا بین چهره شعری صائب و سعدی اشتباه کند. به عبارت دیگر ظاهراً شیوه تفکر و بیان این شاعران کاملاً از یکدیگر متمایز است. گوئی هر کدام در پای آثار خود مهر خود را زده اند و امضا کرده اند و یا بر پیشانی آثار آنان عکس و مشخصات صاحب اثر به طبع رسیده است. با این همه انگشت نهادن بر ویژگی یا ویژگیهای این آثار بغایت دشوار است... به طور کلی می‌توان گفت که سبک وحدتی است که در آثار کسی به چشم می‌خورد. یک روح یا ویژگی یا ویژگی‌های مشترک و متکرر در آثار کسی است... مفهوم سبک به طور طبیعی در اذهان هست و کسی که با ادبیات مانوس باشد صدای صاحب سبکان را با هم اشتباه نخواهد کرد، اما این اندازه شناخت، خبرگان را راضی نمی‌کند. علاوه بر این، سبک انواعی دارد و هر نوع، داستان و تاریخچه‌ای. از این جاست که مجموعه مباحثی به نام سبک‌شناسی به وجود آمده است» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۴-۱۳). «سبک‌شناسی عبارت است از دانش شناسایی شیوه‌ی کاربرد زبان در سخن یک فرد، یک گروه یا در یک متن یا گروهی از متن‌ها؛ بنیاد کار این دانش بر تمایز، گوناگونی و گزینش زبانی در لایه‌ی زبان (آوایی و واژگانی، نحوی، معنایی، کاربردی) استوار است. این بررسی از طریق تحلیل صورت‌های زبانی مانند تکیه‌ها، آواها، واژه‌ها، ساخت‌های دستوری، لحن، صدای نحوی، معانی ضمنی، بلندی و کوتاهی جمله‌ها، ساخت‌های مجازی و استعاری زبان شکل می‌گیرد. بنابراین سبک‌شناس به ناگزیر با زبان‌شناسی و نقد ادبی سر و کار بسیار دارد و سبک‌شناسی نیز در مقام یک نظام مطالعاتی با دو نظام نقد ادبی و زبان‌شناسی پیوند می‌خورد، هر چند دامنه‌ی خود این دانش گسترده و ناشناخته است» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۹۲). به بیانی دیگر، سبک‌شناسی، شاخه‌ای از زبان‌شناسی کاربردی و نظریه ادبی است که به مطالعه و تفسیر علمی و نظام‌مند سبک در متون، اعم از ادبی و غیرادبی می‌پردازد. این رشته در پی آن است که با استفاده از ابزارها و چارچوب‌های نظری زبان‌شناسی، ویژگی‌های متمایزکننده یک متن، نویسنده، ژانر، یا دوره تاریخی

خاص را شناسایی، توصیف و تبیین کند. هدف اصلی سبک‌شناسی، فراتر رفتن از دریافت‌های شهودی و تأثرات شخصی در مواجهه با متن و دستیابی به تحلیلی عینی‌تر و دقیق‌تر از چگونگی ایجاد معنا و تأثیر هنری از طریق انتخاب‌های زبانی است. سبک‌شناسی دارای سه سطح است که در ادامه به بررسی هر یک از آنها در سوره بروج می‌پردازیم.

۳-۱. سطح زبانی

تحلیل سبک‌شناسی لایه ای این سوره، به ویژه در سطح زبانی، ابعاد عمیق‌تری از اعجاز بیانی قرآن کریم را آشکار می‌سازد. در این تحلیل، به بررسی دقیق و تخصصی ویژگی‌های زبانی سوره بروج در سطوح مختلف آوایی، لغوی و نحوی خواهیم پرداخت.

۳-۱-۱. سطح آوایی

«آواها در گفتار و نوشتار، بارزترین تفاوتها را در سطح فیزیکی و مادی زبان نشان می‌دهند» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۴۳). «به سطح آوایی می‌توان سطح موسیقایی متن نیز گفت، زیرا در این مرحله متن را به لحاظ ابزار موسیقی آفرین بررسی می‌کنیم. موسیقی بیرونی و کناری از بررسی وزن و قافیه و ردیف معلوم می‌شود. موسیقی درونی متن به وسیله صنایع بدیع لفظی از قبیل انواع سجع، انواع جناس (ناقص، اشتقاق...) و انواع تکرار (همحروفی همصدائی...) به وجود می‌آید» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۵۳).

سوره مبارکه بروج، همچون دیگر سور قرآن کریم، از جنبه آوایی و موسیقایی، سرشار از زیبایی‌ها و ظرایف هنری است که در خدمت انتقال معنا و تأثیرگذاری بر مخاطب قرار دارد. در ادامه به تحلیل دقیق لایه آوایی این سوره می‌پردازیم:

۳-۱-۱-۳. سجع

«سجع در لغت، آواز کبوتران است و در اصطلاح، دو یا چند کلمه هماهنگ است که در آخر دو یا چند قرینه می‌آید» (خزائلی، ۱۳۶۳: ج ۱/ ۹۲). به عبارتی دیگر، سجع در اصطلاح علم بلاغت، هماهنگی دو یا چند کلمه در حروف پایانی و گاه وزن آنهاست. در قرآن کریم، سجع از نوعی تناسب و هماهنگی طبیعی و هنرمندانه در پایان آیات (فواصل) بهره می‌گیرد. هدف اصلی این هماهنگی، ایجاد آهنگ، سهولت در حفظ، و تأکید بر معانی است. «برخی، سجع در کلام را خوب دانسته و ستوده‌اند و بعضی هم، سجع در سخن را ناپسند دانسته و گفته‌اند که سجع تکلف ایجاد می‌کند و چه‌بسا

که گوینده را از هدف اصلیش بازدارد و باعث شود لفظی را به مناسبت آوردن سجع در غیر مورد به کار برد ولی کلاعی خود، عقیده دارد، همان‌طوری که وزن و قافیه در نظم تکلف ایجاد نمی‌کند، سجع هم در نثر تکلف و تصنع ایجاد نمی‌کند» (علوی مقدم، ۱۳۷۲: ج ۱/ ۶۹۲).

در سوره بروج، نمونه‌های زیبایی از این تناسب آوایی به چشم می‌خورد:

سجع متوازی: «آن چنین است که لفظ پایانی هر قرینه با همتای خود در وزن و روی یکسان باشد» (الهاشمی، ۱۳۹۹: ۴۲۷).

﴿وَالْيَوْمَ الْمَوْعُودِ﴾ (۲) ﴿وَشَهِدِ وَمَشْهُودِ﴾ (۳)

در این آیات، کلمات «مَوْعُودِ» و «مَشْهُودِ» به حرف «دال» ختم شده و دارای یک وزن هستند. این سجع متوازی و کوبنده در ابتدای سوره، فضایی از قطعیت، اهمیت و هشدار را ایجاد می‌کند.

﴿إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ﴾ (۶) ﴿وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ﴾ (۷)

قرآن در این دو آیه، کافران را به تصویر کشیده که با خونسردی تمام بالای شکاف‌های پر از آتش محدود نشسته‌اند و نظاره می‌کنند که چگونه مؤمنان بی‌گناه را به جرم ایمانشان در آتش می‌افکنند. در اینجا کلمات «قُعُودٌ» و «شُهُودٌ» که به «دال» ختم شده و از نظر وزن نیز هماهنگ هستند، سجع متوازی زیبایی را به نمایش می‌گذارند و تصویر هولناک شکنجه و سوزاندن مؤمنان توسط کافران را با ضرباهنگ خود تقویت می‌کنند. موسیقی برآمده از این سجع و پیامد روانی آن موجب می‌شود حس سنگینی و سردی بی‌رحمی کافران در ذهن شنونده چند برابر شود.

﴿وَمَا نَقْمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ﴾ (۸) ﴿الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾ (۹)

هر دو کلمه بر حرف «د» ختم می‌شوند و دارای وزن «فعلیل» می‌باشند. هماهنگی آوایی و وزنی میان «حمید» و «شهِید»، این دو صفت الهی را به هم پیوند می‌زند و بر شایستگی خدا برای ایمان و احاطه کامل او بر اعمال به صورت همزمان و با تأکید آوایی دلالت دارد.

سجع مُطَرَّف: «بدین صورت است که دو کلمه پایانی دو فاصله سجع‌دار از نظر وزن با هم متفاوت باشند، اما در حرف آخر با یکدیگر توافق داشته باشند؛ و در چنین حالتی، به توافق یا اختلاف آنچه پیش از حرف آخر در آن دو کلمه آمده است، توجهی نمی‌شود» (المیدانی، ۱۴۱۶ق: ج ۲/ ۵۰۷).

﴿قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ﴾ (۴) النَّارِ ذَاتِ الْوُقُودِ ﴿۵﴾

«أُخْدُودِ» بر وزن أَفْعُولٌ و کلمه «وُقُودِ»: بر وزن فَعُولٌ می‌باشند. چون حرف آخر در فواصل یکسان است و وزن‌ها متفاوتند، این مجموعه طبق تعریف، مصداق سجع مُطَرَّف است.

«...يُبْدِي وَيُعِيدُ» (۱۳)... الْغَفُورُ الْوَدُودُ ﴿۱۴﴾... الْعَرْشِ الْمَجِيدُ ﴿۱۵﴾

فواصل «يُعِيدُ» بروزن يُفْعِلُ، «وَدُودُ» بروزن فَعُولٌ و «مَجِيدُ» بروزن فَعِيلٌ می‌باشند.

در این آیات شریفه نیز حرف آخر در همه فواصل یکسان است و وزن‌ها متفاوت می‌باشند، بنابراین، این مجموعه دارای سجع مُطَرَّف است. این سجع در بخش بیان صفات و افعال محوری خداوند به کار رفته است. توافق کامل در حرف پایانی در این مجموعه، یک پیوستگی و استحکام آوایی در بیان عظمت خداوند ایجاد می‌کند. در عین حال، تفاوت وزنی در کلمات، از یکنواختی کامل جلوگیری کرده و تنوع ایجاد می‌کند.

«هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ» (۱۷) فِرْعَوْنَ وَ ثَمُودَ ﴿۱۸﴾

سجع مطرف میان «جنود» و «ثمود»، ارتباط میان مفهوم کلی و مصداق جزئی را به صورت آوایی برجسته می‌کند. این هماهنگی، تأکیدی آوایی بر مشابهت سرنوشت تمامی لشکریان کفر در طول تاریخ مانند فرعون و ثمود است و هشدار قاطع به لشکریان کفر معاصر پیامبر اکرم (ص) و هر زمان دیگری می‌باشد.

۳-۱-۱-۲. تکرار

«تکرار که در لغت به معنای دوباره گفتن، باز گفتن، چند بار گفتن یک مطلب است، در تداول فارسی‌زبانان، به کسر تاء، تلفظ می‌شود و در این صورت، اسم مصدر است به معنای دوبارگی، تجدید و جمع آن تکرارات» (علوی مقدم، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱). از دیدگاه برخی از بلاغت‌شناسان، تکرار به سه دسته تکرار حرف، تکرار لفظ و تکرار جمله تقسیم می‌شود. استفاده از آرایه تکرار در سوره مبارکه بروج سبب ایجاد توازن در آیات شده و معنای تأکید، تعظیم و هشدار را به شکل ملموس تری منتقل می‌کند. در بیان ویژگی این صنعت بدیعی، سیروس شمیسا اینگونه بیان می‌کند: «تکرار در زیباشناسی هنر از مسایل اساسی است. کورسوی ستاره‌ها، بال زدن پرندگان به سبب تکرار زیباست... و اصولاً تکرار را باید یکی از مختصات ادبی قلمداد کرد» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۸۳). در آیه «إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ» (۱۰)، واژه «عذاب» و عبارت «لهم» دو بار مورد استفاده قرار گرفته اند که به

نوعی، در مورد سرنوشت کافران که موجب اذیت مؤمنان می‌شوند و توبه نمی‌کنند، هشدار می‌دهد. در آیات «إِنَّهُ هُوَ يُبْدِي وَيُعِيدُ» (۱۳) وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ» (۱۴) نیز لفظ «هو» تکرار شده است.

تکرار مصوت‌ها شکل دیگری از تکرار در آیات این سوره است. «مصوت‌ها، آواهایی هستند که هنگام تولیدشان، جریان هوا و امواج صوتی به هیچ مانعی برخورد نمی‌کند و جوهر صوتی آنها حاصل از ارتعاش تارهای صوتی است. مصوت‌های زبان عربی یک ویژگی دیگر به نام کشش یا امتداد دارند. مصوت‌ها به دو دسته کوتاه و کشیده تقسیم می‌شوند. مصوت‌های کوتاه همان اعراب سه گانه (فتحه، ضمه و کسره) می‌باشد و مصوت‌های کشیده عبارتند از: الف، واو مدّی و یاء مدّی» (علامی، ۱۳۸۱: ۱۲۶). مصوت بلند «او» (أُ و) در کلمات پایانی بخش اول سوره مانند «بُرُوجِ»، «مَوْعُودِ»، «مَشْهُودِ»، «أُخْلُودِ»، «وَقُودِ»، «قُعُودِ» و «شُهُودِ»، تکرار این مصوت کشیده، ضرباهنگ کوبنده‌ای به آیات می‌بخشد که درالقای مفاهیمی مانند قدرت، عظمت و سرنوشت کافران ایفای نقش می‌کند. مصوت بلند «ای» (إِ — ی) در فواصلی چون «حَرِيقِ»، «كَبِيرُ»، «شَدِيدُ»، «يُعِيدُ»، «مَجِيدُ»، «يُرِيدُ»، «تَكْذِيبِ»، «مُحِيطُ» و «مَجِيدُ» نیز به آهنگ و زیبایی آیات کمک می‌کند.

۳-۱-۱-۳. خواتم (پایانه های) آیات

پایانه ها یا فواصل آیات، کلمات پایانی آیات هستند که نقش بسیار مهمی در ساختار موسیقایی و معنایی سوره دارند. در آیات ۷-۱، حرف روی اصلی، «دال» در «مَوْعُودِ»، «مَشْهُودِ»، «أُخْلُودِ»، «وَقُودِ»، «قُعُودِ»، «شُهُودِ»، و «جِیم» در «بُرُوجِ» است که به دلیل نزدیکی مخرجی و ایجاد صدای قاطع و کوبنده، متناسب با فضای ابتدایی سوره و داستان اصحاب اخدود است. وقف بر «جیم» نیز صدایی مشابه «دال» ایجاد می‌کند. در آیه ۸ «الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» نیز «دال» را داریم. آیه ۹ «مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» با «دال» در «شَهِید» ختم می‌شود که باز هم این هماهنگی را حفظ می‌کند. در آیات ۱۰-۱۹ شاهد تنوع بیشتری در حروف پایانی هستیم، اما غالب، حرف روی «دال» است. حروف روی که در این سوره وجود دارند، اکثراً حروف مجهوره هستند که صدای آنها از حروف دیگر بلندتر و قوی‌تر است و در هنگام تلفظ آنها، نفس به همراهشان جریان ندارد (معرفت، ۱۳۷۳: ج ۱/ ۱۳۶) و این مسئله، نمایانگر شدت در بیان این سوره و اعجاز آن است. در بیان دیگری، معظم حروف روی در این سوره به دلیل بیان عظمت الهی و تبیین عذاب کافران، از حروف شدیده هستند. به جز آیه ۱۱ که به جهت نشان دادن زیبایی جنت، پاداش و رستگاری از حرف «راء» استفاده شده است. حرف راء، متوسطه و میان نرمی و شدت است. آیه ۲۰ با حرف «طاء» و آیه ۲۲ با حرف «ظاء» به اتمام می‌رسند. حرف «ظاء» از حروف رخوت است و دارای نرمی و سستی و ضدشدت است و کاربست آن در پایان سوره

بیانگر اتمام سوره در فضایی نرم و لطیف است. فواصل آیات نه تنها در حرف آخر، بلکه از نظر تعداد هجاها و وزن نیز غالباً دارای تناسب هستند که به ایجاد یک جریان روان و آهنگین در تلاوت کمک می‌کند. اگر فواصل و خواتم آیات با همان ماده و مبانی خودش در صدر آیه ذکر شود مصداق تصدیق می‌باشد که از آن به «برگرداندن عجز و ذیل آیه به صدر» هم تعبیر می‌شود و از زیباییها و محسنات بدیعیه می‌باشد؛ زیرا صدر و ذیل آیه به وسیله اقتضای طبیعت آن و به اعتبار محتوای آن، مرتبط گشته و یک هدف و غرض را می‌رسانند (همان: ج ۱ / ۵۳). این آرایه بدیعی در آیه شریفه «وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ» مشاهده می‌شود.

۳-۱-۱-۴. ریتم آیات

سوره بروج دارای آهنگ و موسیقی درونی قدرتمندی است که از طریق تناسب حروف، کلمات و فواصل آیات ایجاد می‌شود. آیات کوتاه و ضرباهنگ تند اولیه، حس هیجان و فوریت را القا می‌کنند. «لحن، اوزان و مقادیر این آیات چنین است؛ آیه اول با اوج فتحه های متوالی و مد «السماء» و طنین برخورد حروف «ذ، ت، ب، ج» و حرکات متوالی فتحه و کسره و ضمه «ذات البروج»، نمایانده قدرت و عظمت آسمان و انگیزاننده اندیشه است. آنگاه آیات پیاپی کوتاه یکسان با وزن «فعول» (به ضم فاء) و روی های «واو، دال» به سرعت پیش می‌رود و روز موعود و شواهد و حوادث را می‌نمایاند» (سیدی، ۱۳۹۰: ۲۴۵). در حالی که آیات بعدی با ضرباهنگ آرام‌تر، به تفصیل و بیان عواقب می‌پردازند. «از آیه ۸ تا ۱۵ به تناسب بررسی سبب وقوع جنایت و صدور حکم درباره مجرمان و مؤمنان طول دامنه آیات هم بیشتر شده است (و ما نقوموا منهم الا أن يؤمنوا بالله العزيز الحميد... إن الذين فتنوا المؤمنين والمؤمنات ثم لم يتوبوا فلهم عذاب جهنم ولهم عذاب الحریق). تا آیه ۲۱ اوزان فعیل و حرف ما قبل مکسور و روی «دال» و گاهی تغییر آن به «قاف، کاف، طاء» از اوج «والسماء» و سوگندهای عام به حضيض تحقق گراییده است. (هو الغفور الودود؛ هل اتاک حدیث الجنود؛ فرعون و ثمود). از آیه ۱۲ تا آخر سوره طول آیات مانند اول سوره کوتاه شده که نمایش سریع و پی در پی صفات قهر و لطف و افعال و کلام خداوند است؛ مثل آیات «إن بطش ربك لشديد إنه هو يبدئ ويعيد وهو الغفور الودود». جز آیه ۱۹ که به تناسب بیان حال قدری کشیده شده سپس سوره با وزن خاص «مفعول» و روی خاص، «طاء» بسته و ختم شده است» (همان: ۲۴۵-۲۴۶).

۳-۱-۲. سطح لغوی

«بخش عمده ای از سرشت یک سبک را نوع گزینش واژه ها می‌سازد. واژه ها، ایستا و منجمد نیستند. بلکه جاندار و پویایند، تاریخ و زندگی نامه دارند، حتی شخصیت و شناسنامه و بار عاطفی و فرهنگی دارند، برخی ثابت و انعطاف

ناپذیرند و برخی در اثر فشار بافت های مختلف تغییر شکل و معنا می دهند و جدال و انگیزشی مداوم برای تخیل نویسنده ایجاد می کنند. واژه ها در گذر تاریخ نیرومند می شوند و نیروی خود را از دست می دهند؛ پوست می اندازند؛ فرسوده و نخ نما و منسوخ می شوند گاهی دوباره زنده می شوند و تغییر معنی می دهند. واژه ها از نظر ویژگی های ساختمانی، گونه های دلالت و مختصات معنایی بسیار متنوع اند. انبوهی هر یک از طیفهای واژگانی در متن های ادبی و کاربردهای زبانی، زمینه ی تنوع سبک ها را پدید می آورد» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۹۲). این پویایی در واژگان سوره بروج کاملاً مشهود است. برای مثال، واژه «بروج» در آیه «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ» (۱)، تنها به معنای صور فلکی نیست، بلکه بار معنایی عظمت را نیز با خود حمل می کند که به مفهوم قدرت خداوند در خلقت آسمان ها اشاره دارد و قدرت الهی را به تصویر می کشد و با محتوای سوره که به حمایت الهی از مؤمنان و عذاب کافران اشاره دارد، تناسب دارد. یا واژه «موعود» در «وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ» (۲)، حتمیت و قطعی بودن روز رستاخیز را القا می کند و بار عاطفی هشدار و تهدید را منتقل می کند. «گاهی بسامد برخی از لغات در آثار کسی توجه برانگیز است و از این رو در تعیین سبک شخصی راهگشاست یا هنرمند رفتار ذهنی خاصی با برخی از کلمات دارد یعنی معنی خاص یا احساس خاصی را به آنها حمل می کند» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۵۴). قرآن کریم در انتخاب واژگان نهایت دقت را به کار برده است. هر واژه بار معنایی خاصی را حمل می کند که جایگزینی آن با مترادفات دیگر، ممکن است به تأثیرگذاری آیه لطمه بزند. در «قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ» (۴)، فعل «قُتِلَ»، انتخابی بسیار قاطع و کوبنده است که کشته شدن، نفرین و مجازات الهی را برای ستمگران اصحاب اخدود با شدت بیان می کند. واژه «اخذود» نیز به معنای گودال های بزرگ و عمیق است و به شکنجه گاه اصحاب اخدود اشاره دارد. انتخاب این واژه، عمق فاجعه و بی رحمی ستمگران را به خوبی منتقل می کند. «وَشَاهِدِ وَمَشْهُودِ»، بخشی از سوگندهای آغازین این سوره است. خداوند متعال پس از قسم به «السَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ» و «الْيَوْمِ الْمَوْعُودِ»، به شاهد و مشهود نیز قسم یاد می کند. در فرهنگ قرآن، سوگند الهی به یک امر، نشان دهنده عظمت، شرافت و اهمیت فوق العاده آن نزد خداوند متعال است. تحلیل آیه «وَشَاهِدِ وَمَشْهُودِ» از منظر روایات و تفاسیر شیعی، دریچه ای به سوی فهم عمیق تر از مصادیق مورد نظر خداوند متعال در این سوگند بزرگ می گشاید. در روایتی از امام صادق (ع) که در منابع متعدد حدیثی نقل شده، در تفسیر این آیه فرمودند: «الشاهد يوم الجمعة و المشهود يوم عرفة» (بحرانی، ۱۳۷۳: ج ۵/ ۶۲۳).

«واژه هایی که بر عقاید کیفیات معانی و مفاهیم ذهنی دلالت دارند، انتزاعی اند و واژه هایی که بر اشیاء واقعی و محسوس دلالت دارند عینی و حسی اند. غلبه ی واژه های عینی در برابر ذهنی، سبک متن را حسی می کند و کثرت واژه های ذهنی موجب انتزاعی شدن سبک می شود. واژه های ذهنی تیره ترند چون تصویر روشنی از مدلول خود را در ذهن خواننده حاضر نمی کنند» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۵۱). در سوره بروج، شاهد ترکیبی از واژگان عینی و واژگان انتزاعی هستیم. کلماتی نظیر «نار»، «اخذود»، «أنهار» و «عرش» مستقیماً به اشیاء و پدیده های مادی و قابل تصور اشاره دارند. زیرا تصویر روشنی را در ذهن خواننده حاضر می کنند. برای مثال، تصویر آتش سوزان خندق ها و رودهای جاری در بهشت،

تأثیر حسی و روانی عمیقی بر مخاطب می‌گذارد. در مقابل، واژگان انتزاعی بر عقاید و مفاهیم ذهنی دلالت دارند. صفاتی چون «عزیز»، «حمید»، «مجید»، مفاهیم ذهنی را بیان می‌کنند. حضور این واژگان انتزاعی در کنار مفردات عینی، عمق معنایی پیام سوره را تضمین کرده است. همچنین استفاده از واژگان متضاد مانند «مؤمنین» و «کافرین»، «جَنَّة» و «حَرِيق»، «رحمة» و «عذاب» به برجسته‌سازی مفاهیم و تفکیک جبهه حق و باطل کمک می‌کند.

۳-۱-۳. سطح نحوی

«علم نحو عبارت است از مطالعه ی روابط میان صورت های زبانی در جمله و چگونگی توالی و نظم و هم نشینی و چینش واژه ها» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۶۷). به بیان دیگر، «دانشی است که به کمک آن درستی و نادرستی زبان، و آنچه مربوط به واژه‌ها از جهت جایگاهشان در جمله است، شناخته می‌شود. هدف از آن، پرهیز از خطا در نگارش و توانایی در فهم و انتقال معنا است. اهمیت علم نحو از آنجا ناشی می‌شود که حفظ اصول و قواعد زبان، امری واجب و ضروری است؛ چرا که هیچ دین و فرهنگی جز با حفظ زبان، حفظ نمی‌شود» (مدنی، ۲۰۱۳م: ج ۱/ ۱).

۳-۱-۳-۱. طول جملات

تنوع در طول جملات یکی از ویژگی‌های سبکی سوره بروج است. آیات اولیه با جملات اسمیه کوتاه و سوگندآمیز آغاز می‌شوند. «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ» (۱)، «وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ» (۲)، «وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ» (۳). این آیات شریفه، به سرعت به دنبال هم می‌آیند و این توالی سریع، حس اضطراب، فوریت یا قاطعیت را القا می‌کند. در ادامه، جملات فعلیه و بلندتر برای بیان داستان و شرح وقایع به کار می‌روند. وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ (۸) الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۹) إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ (۱۰) إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ (۱۱) زمانی که نیاز به بیان جزئیات، دلایل، و ارتباطات بین مفاهیم وجود دارد، جملات بلندتر به کار می‌روند. مانند آیه ۸ و ۹ که دلیل آزار مؤمنان و عظمت خداوند را شرح می‌دهد. آیه ۱۰ با تفصیل بیشتری به سرنوشت شکنجه‌گران می‌پردازد و جزا را روشن می‌کند. و در آیه ۱۱ پاداش مؤمنان را بیان می‌کند و به آن‌ها امید و بشارت می‌دهد. در ادامه آیات، بار دیگر کوتاه شده و به بیان موضوعات مهم مانند وعده‌ها و صفات خداوند قاطعیت می‌بخشد.

۳-۱-۳-۲. تقدیم و تأخیر

جایجایی ارکان جمله به منظور تأکید، تخصیص یا ایجاد آهنگ خاص در قرآن کریم فراوان است. در سوره بروج نیز می‌توان نمونه‌هایی از این موارد را یافت و تأثیر آن را بر معنا بررسی کرد. به عنوان مثال، تقدیم خبر بر مبتدا یا جار و

مجرور بر فعل.. در آیه «قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ» (۴)، فعل مجهول «قُتِلَ» در ابتدا آمده که بر وقوع حتمی هلاکت و نفرین بر اصحاب اخدود تأکید دارد.

۳-۱-۳. تأکید

در برخی از آیات از ادات تأکید مانند إِنَّ، أَنْ، لَمْ تأکید و تکرار برای تقویت پیام و جلب توجه مخاطب استفاده شده است که در ادامه نمونه های آن آورده می شود.

إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ (۱۰) إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ (۱۱) إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ (۱۲) إِنَّهُ هُوَ يُبْدِي وَيُعِيدُ (۱۳)

۳-۲. سطح ادبی

سنت عربی، پدیده سبک‌شناسی را می‌شناخته و آن را در چارچوب مطالعات بلاغی مورد بررسی قرار داده است. اگر دقیق‌تر بنگریم، در می‌یابیم که مطالعه بلاغت عربی، در کلیت خود، نوعی مطالعه سبک‌شناسانه بوده است (منذر عیاشی، ۲۰۰۲م: ۲۷-۲۸). «مطالعات سطح بلاغی زبان سهم زیادی در سبک‌شناسی ادبی دارند. در ادبیات شعری، ادبیت متن و عبور از زبان به ادبیات از رهگذر کاربرد شگردهای بلاغی به ویژه زبان مجازی صورت می‌گیرد. شگردهای بلاغی و صناعات بدیعی را تمهیدات سبکی نیز می‌نامند. تمهیدات سبکی هم در آفرینش متن خلاقه کارآمد هستند و هم به فرایند خوانش و تحلیل متن یاری می‌رسانند» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۳۰۳). سوره مبارکه بروج، علاوه بر غنای آوایی و استحکام ساختاری، در سطح ادبی نیز سرشار از ظرایف و دقایق بلاغی است که به فهم عمیق‌تر معانی و درک زیبایی‌های بیانی آن کمک شایانی می‌کند. در این تحلیل، به بررسی تخصصی چهار آرایه مهم ادبی یعنی مجاز، کنایه، ایغال و مراعات النظیر در این سوره مبارکه می‌پردازیم.

۳-۲-۱. مجاز

«مجاز به لفظی گفته می‌شود که در غیر معنای اصلی خود به کار رفته باشد. همچنین، علاقه و قرینه‌ای در کلام وجود دارد که مانع از قصد معنای اصلی می‌شود و مخاطب را به سمت معنای مجازی هدایت می‌کند» (اللاذقی، ۲۰۰۵م: ۱۵۹).

«قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ»: در اینجا «قُتِلَ» به معنای «لُعِنَ» یا «هَلَكُوا» به کار رفته است. اگرچه هلاکت فیزیکی نیز ممکن است مراد باشد، اما کاربرد «قُتِلَ» می‌تواند مجازاً به نتیجه نهایی و قطعی عملشان که همانا لعن و عذاب الهی است، اشاره داشته باشد. هلاکت و عذاب، مسبب نفرین و لعنت الهی است.

«إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ...»: «فتنوا» (آزمودند، در فتنه انداختند) در اینجا می‌تواند مجازاً به معنای «عَذَّبُوا» یا «حَرَقُوا» باشد، چرا که یکی از بارزترین مصادیق فتنه در داستان اصحاب اخدود، شکنجه مؤمنان بوده است. در اینجا ذکر سبب (فتنه) و اراده مسبب (عذاب) صورت گرفته است. «احتمال دارد که منظور از «الذين فتنوا»، مشخصاً همان اصحاب اخدود باشند و منظور از «الذين آمنوا»، کسانی باشند که در گودال افکنده شدند. و معنای «فتنوهم»، عذاب کردن آن‌ها با آتش و سوزاندنشان است» (زمخشری، ۱۴۱۸ق: ج ۶/ ۳۵۰).

«فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ»: «لوح» مجازاً از آن چیزی است که در آن نوشته شده با علاقه محلیت. لوح، محل کتابت است و منظور خود کلام مکتوب و محفوظ الهی است.

«بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ»: در این آیه شریفه، «تکذیب» مجاز از محلی (جهنم) است که کافران، عاقبت در آن افکنده خواهند شد. به عبارتی، مجاز مرسل با علاقه محلیت است؛ زیرا که حال، ذکر و محل اراده شده است.

۳-۲-۲. کنایه

«کنایه در لغت به معنی پوشیده سخن گفتن است و در اصطلاح سخنی است که دارای دو معنی قریب و بعید باشد، و این دو معنی لازم و ملزوم یکدیگر باشند، پس گوینده آن جمله را چنان ترکیب کند و بکار برد که ذهن شنونده از معنی نزدیک به معنی دور منتقل گردد» (همایی، ۱۳۸۹: ۱۶۷).

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ: این عبارت می‌تواند کنایه از عظمت و قدرت مطلق خداوند در آفرینش باشد. قسم به آسمان با این ویژگی خاص، توجه را به خالق این نظام شگفت‌انگیز جلب می‌کند.

وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ: می‌تواند کنایه از روز قیامت باشد که وعده داده شده و حتمی‌الوقوع است.

وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ: این آیه دارای تفاسیر متعدد است و هر تفسیر می‌تواند کنایه‌های مختلفی را در بر داشته باشد:

اگر شاهد، پیامبر اکرم (ص) و مشهود، روز قیامت باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳: ج ۲۶/ ۳۴۲): کنایه از گواهی اعمال در آن روز است.

اگر شاهد، اعضای بدن انسان و مشهود، خود انسان باشد (همان: ج ۲۶ / ۳۴۲): کنایه از عدم امکان انکار اعمال در قیامت است.

با توجه به مضمون سوره بروج و آیات «الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» و «وَهُمْ عَلَى مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ»، اگر شاهد، خداوند متعال و مشهود، شکنجه دیدگان باشند (قرشی، ۱۴۱۲ق: ج ۴ / ۷۹): کنایه از علم و احاطه کامل الهی است.

إِنَّ الَّذِينَ قَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا...: «لَمْ يَتُوبُوا» کنایه از اصرار و پافشاری بر گناه و عدم توبه است که منجر به عذاب حتمی می شود.

ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ: «ذو العرش» کنایه از سلطنت، حاکمیت و عظمت بی نهایت خداوند برین است. «عرش» نماد قدرت و فرمانروایی است. «مجید» نیز بر این عظمت تأکید دارد.

فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ: کنایه از آزادی و قدرت بی قید و شرط خداوند در انجام هر آنچه اراده کند، بدون هیچ گونه مانع یا محدودیتی است.

وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ: کنایه از احاطه کامل علم و قدرت خداوند بر کافران و عدم امکان فرار آنها از قلمرو علم و قدرت الهی است.

۳-۲-۳. ایغال

«از بزرگترین ابواب بدیع است. و آن عبارت است از: ختم سخن به جمله و عبارتی که علاوه بر معنای اصلی کلام، نکته ای را برساند؛ به طوری که کلام بدون آن نیز، تمام و خاتمه یافته باشد. «ایغال» مأخوذ از «أَوغَلَ فِي الْبِلَادِ» است که در هنگام پیشروی و مسافرت در شهرها و کشورهای مختلف و دور شدن از محل سکونت و زیاده روی در آن، گفته می شود. بنابراین، ایغال به منزله کلام تأکیدی مبالغه آمیز است» (معرفت، ۱۳۷۳: ج ۱ / ۵۵). در آیه «إِنَّ الَّذِينَ قَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ» (۱۰)، معنای کلام بدون عبارت «وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ» کامل شده و خاتمه یافته است؛ جز اینکه رعایت قوانین فواصل، یک نوع زیادی معنا و مبالغه در آن را افاده نموده است. در آیه شریفه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ» (۱۱)، نیز عبارت «لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» معنا را کامل کرده است و ذکر «ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ» پاداش و رستگاری را در بالاترین درجه نشان داده است.

۳-۲-۴. مراعات النظیر

«ازجمله محسنات معنوی مراعات نظیر است که تناسب و توفیق هم نامند و ایتلاف و تلفیق هم نامند» (سجادی، ۱۳۸۰: ج ۳/ ۱۷۵۷). «جمع‌آوری دو یا چند امر متناسب است، نه به صورت متضاد. این جمع‌آوری می‌تواند بین دو امر یا بیشتر صورت گیرد» (الهاشمی، ۱۳۸۶: ۳۰۴). این صنعت بدیعی در سوره بروج به کار رفته است که نمونه‌های آن آورده می‌شود.

وَمَا نَقْمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿٨﴾

الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿٩﴾

وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ ﴿١٤﴾

إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ ﴿١٠﴾

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ ﴿١١﴾

۳-۳. سطح فکری

سوره مبارکه بروج، با وجود اختصار، از عمق فکری و غنای معنایی قابل توجهی برخوردار است. این سوره با ترسیم تقابل سرنوشت‌ساز میان ایمان و کفر، و تأکید بر قدرت مطلق و حکمت بالغه‌ی الهی، بنیان‌های فکری و اعتقادی محکمی را به مخاطب عرضه می‌کند. تحلیل سطح فکری این سوره را می‌توان در محورهای زیر پی گرفت:

۳-۳-۱. اثبات قدرت و حاکمیت مطلق خداوند

سوگند به مظاهر عظمت خلقت: سوره با سوگند به آسمان دارای برج‌ها «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ»، روز موعود «وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ» و شاهد و مشهود «وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ» آغاز می‌شود. این سوگندها، ذهن مخاطب را به سوی خالق این پدیده‌های عظیم و نظام‌مند رهنمون می‌کنند. «منظور از «بروج»، دوازده برج فلکی است که در واقع قصرهای آسمان به شمار می‌روند، و این یک تشبیه است. دیدگاه دیگری بیان می‌کند که «البروج» به معنای ستارگانی هستند که منزلگاه‌های قمر به شمار می‌آیند. نظر دیگر این است که به ستارگان بزرگ و درخشان اشاره دارد. همچنین گفته شده که به معنای دروازه‌های آسمان است» (زمخشری، ۱۴۱۸ق: ج ۶/ ۳۴۶). به طور کلی می‌توان گفت که نمادی از دقت، نظم، و وسعت

خلقت الهی است. «یوم موعود» نیز بیانگر حاکمیت او بر تاریخ و آینده و تحقق قطعی وعده‌های اوست. این مقدمه، بستری را برای پذیرش قدرت مطلق خداوند متعال در ادامه سوره فراهم می‌کند.

تأکید بر مالکیت و احاطه کامل: آیه «الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» به صراحت مالکیت و فرمانروایی مطلق خداوند بر تمامی آسمان‌ها و زمین را اعلام می‌دارد. این مالکیت، مالکیتی حقیقی و تکوینی است که لازمه آن، احاطه کامل علم و قدرت خداوند است: «وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» و «اللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ». این احاطه، هیچ راه گریزی برای منکران و ستمگران باقی نمی‌گذارد.

قدرت بر آفرینش نخستین و زندگی پس از مرگ: آیه «إِنَّهُ هُوَ يُبْدِئُ وَيُعِيدُ» به یکی از اساسی‌ترین صفات الهی در حوزه ربوبیت اشاره دارد و آن قدرت بر آفرینش اولیه و بازگرداندن پس از مرگ است. این قدرت، دلیلی بر امکان و حتمیت تحقق وعده‌های الهی، از جمله جزای اعمال است. کسی که توانایی آغاز آفرینش را دارد، بر بازگرداندن آن نیز تواناست.

اراده مطلق و فعال: «فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ» بیانگر آزادی و قدرت بی‌قید و شرط خداوند در انجام هر آن چیزی است که اراده می‌کند. هیچ مانعی نمی‌تواند در برابر اراده او بایستد و هیچ قدرتی نمی‌تواند او را از اجرای تصمیماتش باز دارد. این اصل، اطمینان‌بخش مؤمنان و هشداردهنده کافران است.

۳-۲-۳. حقانیت ایمان و سرنوشت مؤمنان (وعده الهی)

ارزش والای ایمان: داستان اصحاب اخدود، به شکلی برجسته، ارزش و اهمیت ایمان به خداوند یکتا را نشان می‌دهد. مؤمنان در این داستان، حاضر به تحمل شکنجه و سوختن در آتش می‌شوند، اما از ایمان خود دست نمی‌کشند. «وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ».

آزمایش مؤمنان: سرنوشت مؤمنان در داستان اصحاب اخدود، بیانگر سنت ابتلا و آزمایش الهی برای اهل ایمان است. سختی‌ها و مشقات، ابزاری برای سنجش صدق ایمان و پلایش مؤمنان است. اگرچه در ظاهر، مؤمنان در این واقعه دچار رنج شدند یا کشته شدند، اما در حقیقت، به پیروزی معنوی و جاودانگی رسیدند.

پاداش عظیم اخروی: در مقابل رنج دنیوی، خداوند به مؤمنان صابر و ثابت‌قدم، پاداشی بزرگ وعده می‌دهد: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ». این پیروزی بزرگ، جبران‌کننده تمام سختی‌های دنیوی و نشان‌دهنده ارزش ایمان در نزد خداوند است. این آیه، امید به آینده‌ای روشن و سرشار از نعمت را در دل مؤمنان زنده می‌کند.

محبت و مغفرت الهی برای مؤمنان: صفات «الْعَفُورُ الْوَكُودُ» پس از ذکر قدرت و شدت الهی، جنبه رحمت و محبت خداوند را به ویژه نسبت به مؤمنان و توبه‌کنندگان، برجسته می‌سازد. این صفات، بیانگر آن است که خداوند، با وجود قدرت مطلق، راه بازگشت و بخشش را برای بندگان باز گذاشته و نسبت به اهل ایمان، محبت و مودت ویژه‌ای دارد.

۳-۳-۳. بطلان کفر و سرنوشت کافران و ستمگران (وعید الهی)

قساوت و بی‌منطقی کفر: رفتار اصحاب اخدود، نمادی از نهایت قساوت، بی‌رحمی و کوردلی نظام‌های کفر و شرک است. آن‌ها مؤمنان را تنها به جرم ایمان به خدای عزیز و حمید شکنجه می‌دهند، که این خود نشانه‌ای از بطلان راه و بی‌منطقی ادعایشان است.

عذاب دنیوی و اخروی برای ستمگران: سوره با نفرین بر اصحاب اخدود آغاز می‌شود: «قِيلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ». این عبارت، هم می‌تواند به معنای هلاکت و عذاب دنیوی آن‌ها باشد و هم نفرین و لعنت ابدی بر آن‌ها. آیه ۱۰ به صراحت عذاب اخروی آن‌ها را بیان می‌کند: «إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ». تکرار «عذاب» و ذکر «حریق»، بر شدت و حتمیت این کیفر تأکید دارد.

بطش و انتقام شدید الهی: «إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ» هشدار جدی به تمام ستمگران و منکران است. «بطش» به معنای گرفتن با قدرت و شدت است و نشان می‌دهد که انتقام الهی، هرچند ممکن است با تأخیر صورت گیرد، اما قطعی و بسیار سخت خواهد بود. این آیه، پس از بیان داستان اصحاب اخدود، تأکیدی بر اجرای عدالت الهی است.

بیهودگی تلاش کافران و احاطه الهی: داستان لشکریان فرعون و ثمود «هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ * فِرْعَوْنُ وَثَمُودُ» نمونه‌هایی تاریخی از قدرت‌های به ظاهر هستند که در برابر اراده الهی نابود شدند. این یادآوری، برای تسلی پیامبر (ص) و مؤمنان و هشدار به کافران مکه و تمام مستکبران تاریخ است که گمان نکنند قدرتشان پایدار خواهد بود. آیه «بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ * وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ» نشان می‌دهد که کافران در انکار خود غوطه‌ورند و از این حقیقت غافلند که خداوند از هر سو بر آن‌ها احاطه دارد و هیچ راه فراری از علم و قدرت او ندارند.

۴-۳-۳. عظمت و جایگاه قرآن کریم

قرآن، کلامی والا و محفوظ: سوره با تأکید بر حقانیت و عظمت قرآن به پایان می‌رسد: «بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ * فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ». صفت «مجید» بیانگر جایگاه رفیع این کتاب آسمانی است.

مصونیت از تحریف: قرار داشتن قرآن در «لوح محفوظ» کنایه از مصونیت آن از هرگونه تغییر، تبدیل، و دستبرد تحریف‌گران است. این امر، بر اصالت ابدی پیام قرآن و وثاقت آن به عنوان منبع هدایت تأکید دارد. این بخش، در مقابل تکذیب کافران قرار می‌گیرد و نشان می‌دهد که آنچه آن‌ها انکار می‌کنند، کلامی عادی نیست، بلکه وحی الهی با جایگاهی رفیع و محفوظ است.

۳-۳-۵. مفاهیم اخلاقی و تربیتی

اهمیت توبه: اشاره به «ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا» در مورد ستمگران، به طور ضمنی بر اهمیت و امکان توبه و بازگشت به سوی خداوند، حتی برای بزرگترین گناهکاران تأکید دارد.

امید به نصرت الهی و پیروزی نهایی حق: با وجود تمام سختی‌ها و فشارهایی که مؤمنان ممکن است تحمل کنند، سوره پیام امید به پیروزی نهایی حق و تحقق وعده‌های الهی را القا می‌کند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی در حوزه سبک‌شناسی، به واکاوی هنری و بیانی سوره مبارکه بروج پرداخت تا نشان دهد که چگونه انتخاب‌های دقیق زبانی در سطوح گوناگون، به انسجام و تأثیرگذاری این سوره یاری رسانده است. نتایج حاصل از تحلیل نظام‌مند سبک سوره در سطوح زبانی، ادبی و فکری، پرده از اعجازی برمی‌دارد که فراتر از زیبایی‌های ظاهری است و در خدمت القای هرچه مؤثرتر پیام خداوند متعال قرار گرفته‌اند.

در سطح زبانی، تحلیل نشان داد که سوره بروج با بهره‌گیری هنرمندانه از صنایع مختلف مانند انواع متنوع سجع، ضرب‌آهنگی قوی، محکم و گوش‌نواز ایجاد کرده است. سجع متوازی با ایجاد توازن صوتی و وزنی در پایان آیات، حس استحکام و قاطعیت را در بیان صفات الهی، حقانیت ایمان، و سرنوشت ستمگران تقویت می‌کند. در مقابل، سجع مطرّف با وجود اختلاف وزنی در فواصل، ریتمی متفاوت ایجاد می‌کند که با محتوای سوره تناسب دارد و مانع از یکنواختی کامل آهنگ می‌گردد. تکرار مصوت‌های نیز به موسیقی و القای حس در سوره کمک می‌کند. در لایه لغوی، انتخاب واژگان در نهایت دقت صورت پذیرفته و واژگان به صورت کاملاً صحیح توزیع شده‌اند. واژگانی نظیر «اخذود»، «نار»، «وقود»، «بطش»، «شدید»، «عذاب»، و «حریق» با بار عاطفی خود، شدت عذاب الهی را ملموس می‌سازند. در مقابل، واژگانی نظیر «مؤمنین»، «صالحات»، «جنات»، «انهار»، «غفور»، و «ودود» با بار عاطفی نرم و ملایم، زیبایی ایمان و عظمت پاداش خداوند متعال را به نمایش می‌گذارند. در لایه نحوی، سوره بروج از ساختارهایی بهره برده که پیام را به

وضوح منتقل می‌کنند. استفاده از جملات کوتاه، ضرب‌آهنگ سوره را تند و تأثیرگذار می‌کند. استفاده از ادات تأکید، بر قطعیت وعده‌های الهی تأکید دوچندان می‌بخشد.

در سطح ادبی، سوره بروج در انتقال معنا، به شدت بر کنایه و مجاز تکیه دارد. کنایات، معانی عمیق و گسترده‌ای را منتقل می‌کنند و مجاز نیز در تصویرسازی مضامین، نقش فراوانی دارد. همچنین کاربست محسناتی مانند مراعات النظیر، ایغال و تصدیر که در سطح آوایی بدان پرداخته شد، بر زیبایی‌های بیانی این سوره شریفه افزود. باید خاطر نشان کرد که این سوره از آرایه‌های دیگری نیز برخوردار بود که به دلایل مختلفی از ذکر آنان پرهیز شد و همین مقدار در نمایاندن سبک منحصر به فرد سوره مذکور یاری رساند.

در سطح فکری نیز این پژوهش نشان داد که سوره بروج با وجود اختصار، عمق فکری قابل توجهی دارد که بر قدرت و حاکمیت خداوند متعال و سرنوشت مؤمنان و کافران تأکید می‌کند. داستان اصحاب اخدود، ضمن نشان دادن ارزش ایمان، وعده پاداش عظیم و مغفرت الهی برای مؤمنان را می‌دهد. در مقابل، به عذاب شدید کافران اشاره می‌کند. در نهایت، پیام‌های اخلاقی و تربیتی را منتقل کرده و امید به پیروزی نهایی حق را در دل‌ها زنده می‌کند.

در نهایت، نتایج این پژوهش به وضوح نشان می‌دهد که سبک سوره مبارکه بروج، سبکی هدفمند، منسجم و تأثیرگذار است. تمامی عناصر سبکی، از آهنگ و وزن کلمات و جملات گرفته تا انتخاب دقیق واژگان، ساختارهای نحوی و کاربرد آرایه‌های بلاغی، به انتقال مفهوم کلی سوره کمک کرده و تمامی عناصر کاملاً منطبق با یکدیگر می‌باشند. سبک این سوره، بعد دیگری از اعجاز بیانی قرآن کریم را آشکار می‌سازد. تحلیل سبک‌شناختی سوره بروج تأکیدی است بر اینکه در کلام خداوند باری تعالی، ساختار، لفظ و معنا، در پیوندی ناگسستنی، تأثیرگذاری را به کمال می‌رسانند و این خود، افق‌های جدیدی را برای تحقیقات آتی در زمینه زیبایی‌شناسی و سبک‌شناسی می‌گشاید.

منابع و مآخذ

قرآن کریم

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، چاپ سوم، بیروت: دار صادر.

اللاذقی، محمد طاهر (۱۴۲۶ق)، *المبسط فی علوم البلاغه*، بیروت: المكتبة العصرية.

المیدانی، عبدالرحمن حسن (۱۴۱۶ق)، *البلاغه العربیه: أسسها و علومها و فنونها*، چاپ اول، دمشق: دارالقلم؛ بیروت: الدار الشامیه.

الهاشمی، سیداحمد (۱۳۸۶)، *جواهر البلاغه فی المعانی و البیان و البدیع*، چاپ اول، قم: دار الفکر.

الهاشمی، سیداحمد (۱۳۹۹)، *جواهر البلاغه فی المعانی و البیان و البدیع*، ترجمه حسن عرفان، چاپ نوزدهم، قم: نشر بلاغت.

باغستانی، محمد (۱۳۸۵). «بازتاب حقوق انسان در قرآن کریم»، *پژوهش های قرآنی*، مشهد، دوره دوازدهم، صص ۱۴۳-۱۲۸.

بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۳۷۳)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم: بنیاد بعثت.

خزائی، محمد (۱۳۶۳)، *شرح گلستان*، چاپ پنجم، تهران: جاویدان.

زمخشری، ابوالقاسم (۱۹۹۸م)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التأویل*، چاپ اول، ریاض: المکتبه العییکان.

سجادی، سید جعفر (۱۳۸۰)، *فرهنگ معارف اسلامی*، چاپ چهارم: انتشارات کومش.

سیدی، سید حسین (۱۳۹۰)، *زیبایی شناسی آیات قرآن*، چاپ اول، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

شمیسا، سیروس (۱۳۷۳)، *کلیات سبک شناسی*، چاپ دوم، تهران: انتشارات فردوس.

شمیسا، سیروس (۱۳۸۳)، *نگاهی تازه به بدیع*، چاپ اول، تهران: انتشارات میترا.

علامی، ابوالفضل (۱۳۸۱)، *پژوهشی در علم تجوید*، چاپ سوم، قم: انتشارات یاقوت.

علوی مقدم، محمد (۱۳۷۲)، *در قلمرو بلاغت: مجموعه ای از مقاله ها، پژوهشها، نقدها و بحث های بلاغی و تفسیری*، چاپ اول، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

عیاشی، منذر (۲۰۰۲م)، *الأسلوبیه و تحلیل الخطاب*، چاپ اول، حلب: مرکز الإنماء الحضاری.

فاضلی، محمد (۱۳۹۹)، *دراسة و نقد فی مسائل بلاغیه هامة*، چاپ پنجم، مشهد: دانشگاه فردوسی.

فتوحی، محمود (۱۳۹۰)، *سبک شناسی، نظریه ها، رویکردها و روش ها*، چاپ اول، تهران: انتشارات سخن.

قرشی، سید علی اکبر (۱۳۱۲ق)، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

قرشی، سید علی اکبر (۱۳۹۱)، تفسیر احسن الحدیث، چاپ اول، قم: دفتر نشر نوید اسلام.

مدنی، علیخان بن احمد (۲۰۱۳م)، الحدائق الندیة فی شرح الفوائد الصمدیة، چاپ اول، قم: ذوی القربی.

معرفت، محمدهادی (۱۳۷۳)، تناسب آیات، ترجمه شیخ عزت الله مولائی نیا همدانی، قم: بنیاد معارف اسلامی.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۵۳)، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

همایی، جلال الدین (۱۳۸۹)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، چاپ اول، تهران: اهورا، چاپ مهارت.